**دوستی**

بدان، ای پسر که مردمان تا زنده‌اند از دوستان ناگزیرند که مرد اگر بی‌برادر باشد به که بی‌دوست؛ از آنکه حکیمی را پرسیدند که دوست بهتر یا برادر.

گفت: برادر نیز، دوست به.

پس به کارِ دوستان اندیشه کن و دوستی ایشان به مردمی و احسان، تازه‌دار و چون دوستِ نو گیری، پشت بر دوستانِ کهن، مکن. دوست، همی طلب و دوستانِ کهن را بر جای همی دار تا همیشه بسیار دوست داشته باشی و دیگر با مردمانی که با تو به راه دوستی روند و «نیم دوست» باشند، نیکویی و سازگاری کن و در هر نیک و بد به ایشان مُشفق باش تا چون از تو مردمی بینید، دوست یک‌دل شوند.

عنصرالمعالی کیکاووس، قابوس نامه

**مشاوره**

مشاورت کردن در کارها از قوی رایی مردم باشد و از تمام عقلی و پیش بینی؛ چه هر کس را دانشی باشد و هر یکی چیزی داند؛ یکی بیشتر و یکی کمتر و یکی دانشی دارد و هرگز کار نبسته است و نیازموده و یکی همان دانش داند و کار بسته است و آزموده؛ مَثَل این، چنان باشد که یکی باشد که بسیار سفرها کرده باشد و جهان بسیار دیده و سرد و گرم چشیده و در میان کارها بوده با آن کس برابر نتوان کرد که هرگز سفر نکرده باشد و ولایت‌ها ندیده و از این رو، گفته‌اند: «تدبیر با دانایان و پیران و جهان دیدگان باید کرد».

و نیز یکی را خاطر تیزتر باشد و در کارها زودتر تواند دید و یکی کُند فهم باشد و تدبیر دَه تَنه چون زور دَه مَرده باشد.

همه‌ی جهانیان متفق‌اند که هیچ آفریده، داناتر از پیغامبر (ص) نبوده است و با این همه فضیلت معجزات که او را بُود، خدای (تعالی) او را می‌فرماید: «وَ شاوِرهُم فی الاَمر» یا محمد چون کاری کنی و یا مُهمّی تو را پیش آید با یاران خویش تدبیر کن.

مشورت ناکردن در کارها، ضعیف‌رایی باشد و هیچ شغلی بی‌مشورت، نیکو نیاید.

مشورت نکردن در کارها نشانه‌ی بی خردی است و هیچ کاری بدون مشورت درست انجام نمی‌شود.